



مقایسه سبک های یادگیری سرپرستان و کارشناسان

اسماعیل وثوق راوری
es.vosoogh@gmail.com



چکیده

امروزه سرمایه انسانی به عنوان اصلی‌ترین دارایی سازمانی شناخته می‌شود و بهسازی منابع انسانی نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای عملکرد و ایجاد مزیت رقابتی پایدار برای سازمان‌ها ایفا می‌کند. آموزش کارکنان به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای توسعه منابع انسانی، نه تنها مهارت‌های فنی، بلکه قابلیت‌های حل مسئله و خلاقیت نیروی انسانی را توسعه داده و بهره‌وری سازمانی را به صورت معناداری بهبود می‌بخشد. در این زمینه، یادگیری و آموزش ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و توجه به ترجیحات و سبک‌های یادگیری فراگیران می‌تواند اثربخشی فرآیندهای آموزشی را به طور قابل توجهی افزایش دهد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و مقایسه سبک‌های یادگیری سرپرستان و کارشناسان گروه صنعتی بارز مجتمع کرمان بر اساس مدل کلب است. جامعه آماری این مطالعه توصیفی-پیمایشی شامل ۱۰۴ نفر از سرپرستان و ۱۳۴ نفر کارشناسان این مجتمع بود. با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه برای سرپرستان ۷۹ نفر و برای کارشناسان ۹۵ نفر تعیین شد و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه استاندارد سبک‌های یادگیری کلب با ۱۲ سوال بود که روایی و پایایی آن در مطالعات پیشین تأیید شده است. یافته‌ها نشان داد که سبک یادگیری غالب سرپرستان به ترتیب آزمایشگری فعال (۳۶ درصد)، مفهوم‌سازی انتزاعی (۳۱ درصد)، مشاهده تأملی (۲۳ درصد) و تجربه عیین (۱۰ درصد) است. در مقابل، سبک یادگیری کارشناسان شامل مشاهده تأملی (۳۷ درصد)، مفهوم‌سازی انتزاعی (۳۵ درصد)، آزمایشگری فعال (۲۴ درصد) و تجربه عیین (۴ درصد) بود. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که سرپرستان بیشتر به تحلیل نظری و کاربرد عملی مفاهیم تمایل دارند، در حالی که کارشناسان رویکرد متعادل‌تری بین مشاهده دقیق و تفکر انتزاعی نشان می‌دهند. با توجه به تفاوت‌های شناسایی شده در سبک‌های یادگیری، توجه به این ترجیحات در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی می‌تواند موجب افزایش مشارکت، عمق یادگیری و در نهایت اثربخشی سرمایه‌گذاری‌های آموزشی در سازمان شود.

واژگان کلیدی: آموزش، سبک یادگیری، سرپرستان، کارشناسان، گروه صنعتی بارز کرمان

محور مقاله: سرمایه انسانی(آموزش و افزایش مهارت)

مقدمه

تنوع و تفاوت‌های فردی یکی از ویژگی‌های ذاتی و انکارناپذیر انسان‌ها در تمامی عرصه‌ها، از جمله فرآیند یادگیری است. افراد از نظر توانایی‌های شناختی، روش‌های ترجیحی دریافت و پردازش اطلاعات، سرعت یادگیری، سطح انگیزش و علایق شخصی برای کسب دانش و مهارت‌های جدید با یکدیگر تمایزات چشمگیری دارند. یکی از مهم‌ترین عواملی که در چند دهه اخیر توجه روان‌شناسان تربیتی، متخصصان برنامه‌ریزی درسی و طراحان آموزشی را به خود جلب کرده، مفهوم ”سبک‌های یادگیری“ است (سیف، ۱۳۹۶). این مفهوم بر این ایده استوار است که هر فرد رویکرد منحصربه‌فردی برای یادگیری دارد. سبک‌های یادگیری به شیوه‌های ترجیحی و نسبتاً پایدار افراد در درک، سازماندهی، پردازش و حفظ اطلاعات جدید اشاره دارد و بیانگر بهترین روش یادگیری برای هر فرد محسوب می‌شود (سیریندی و تنی، ۲۰۱۷).

پژوهش‌های متعدد در حوزه علوم تربیتی به وضوح نشان می‌دهند که افراد به روش‌های بنیادین مختلفی می‌اندیشند و می‌آموزند. در نتیجه، نادیده گرفتن این تفاوت‌ها و ارائه آموزش یکسان و یکنواخت به همه فراگیران می‌تواند به کاهش انگیزه، ایجاد احساس ناکامی و در نهایت، تضعیف موفقیت آموزشی بینجامد. در مقابل، شناسایی و تطبیق روش تدریس با سبک یادگیری هر فرد می‌تواند به طور معناداری بر درک مطلب، مشارکت و موفقیت نهایی فراگیر تأثیر بگذارد (ولینگام، هوگس و دوبلی، ۲۰۱۵). ایده محوری پشت نظریه سبک‌های یادگیری این است که می‌توان فراگیران را بر اساس ترجیحات شناختی و عاطفی آنان در یک یا چند سبک خاص دسته‌بندی نمود و آموزش منطبق با سبک غالب آنان، کارایی و اثربخشی فرآیند یاددهی-یادگیری را به حداکثر خواهد رساند (فلیپ و ماهالد، ۲۰۱۷).

این اهمیت باعث شده تا تاکنون بیش از ۷۰ مدل و چارچوب نظری مختلف برای تعیین و طبقه‌بندی سبک‌های یادگیری ارائه شود که هر یک بر جنبه‌های متفاوتی از ویژگی‌های فراگیران، همچون ابعاد شناختی، عاطفی، فیزیولوژیکی و اجتماعی تمرکز دارند (کافیلد، موسلی، هال و اکلستون، ۲۰۰۴). از جمله مشهورترین و پرکاربردترین این مدل‌ها می‌توان به مدل سنجش ترجیحات حسی، مدل یادگیری تجربی کلب، مدل سطوح پردازش اطلاعات و مدل وابستگی-عدم وابستگی به زمینه اشاره کرد. هر یک از این مدل‌ها ابزاری را برای سنجش سبک‌ها در اختیار می‌گذارند. در این میان، مدل سبک یادگیری کلب که بر پایه نظریه یادگیری تجربی بنا نهاده شده، از شهرت و مقبولیت گسترده‌ای در محیط‌های آموزشی و سازمانی برخوردار است. این مدل، یادگیری را یک چرخه چهار مرحله‌ای شامل تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال می‌داند و بر این اساس، افراد را به چهار سبک اصلی یادگیری: جذب کننده، انشعاب دهنده، همگرا و انطباق یابنده طبقه‌بندی می‌کند.

بخش تجربی

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی-پیمایشی بوده که با هدف شناسایی سبک‌های یادگیری سرپرستان و کارشناسان گروه صنعتی بارز کرمان انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه سرپرستان و کارشناسان این مجتمع صنعتی به تعداد ۲۳۸ نفر بود(۱۳۴ کارشناس و ۱۰۴ سرپرست). با استفاده از جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، حجم نمونه ۱۷۴ نفر تعیین گردید(۹۵ کارشناس و ۷۹ سرپرست).

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد سبک‌های یادگیری کلب بود. این پرسشنامه شامل ۱۲ سوال چهارگزینه‌ای است که هر گزینه مربوط به یکی از چهار مرحله چرخه یادگیری تجربی کلب (تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال) می‌باشد. روایی این پرسشنامه در مطالعات متعدد داخلی و خارجی تأیید شده و پایایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

۱. روایی محتوایی:

پرسشنامه توسط ۵ متخصص حوزه روانشناسی تربیتی و مدیریت آموزشی مورد بررسی قرار گرفت و روایی محتوایی آن تأیید گردید.

۲. پایایی پرسشنامه:

پایایی پرسشنامه با استفاده از سه روش مختلف مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ضرایب پایایی پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب

مؤلفه‌های سبک یادگیری	آلفای کرونباخ	اسپیرمن براون	روش تنصیف
تجربه عینی	۰/۶۵	۰/۶۲	۰/۶۵
مشاهده تأملی	۰/۶۴	۰/۶۸	۰/۷۴
مفهوم‌سازی انتزاعی	۰/۶۷	۰/۶۰	۰/۶۹
آزمایشگری فعال	۰/۷۴	۰/۶۶	۰/۶۳

در فرآیند اجرای پژوهش، پس از اخذ مجوزهای لازم، پرسشنامه‌ها بین نمونه آماری توزیع گردید. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، برای کلیه مشارکت‌کنندگان فرم رضایتنامه آگاهانه تهیه و اهداف پژوهش به طور کامل تشریح شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و با به کارگیری روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) مورد تحلیل قرار گرفت.

در تحلیل داده‌ها، سبک یادگیری هر فرد بر اساس نمرات کسب شده در چهار مرحله چرخه یادگیری تعیین گردید. بالاترین نمره در هر مرحله، نشان‌دهنده ترجیح فرد به آن سبک یادگیری بود. در مواردی که فرد در بیش از یک مرحله نمره یکسان کسب می‌کرد، از معیارهای جانبی برای تعیین سبک غالب استفاده شد. کلیه مراحل اجرای پژوهش با دقت و حساسیت علمی بالا و با رعایت کامل موازین اخلاقی انجام پذیرفت.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که سبک‌های یادگیری سرپرستان و کارشناسان به شرح زیر است:

جدول ۲: توزیع سبک‌های یادگیری در بین گروه‌های مختلف

گروه مورد مطالعه	مفهوم‌سازی انتزاعی	آزمایشگری فعال	مشاهده تأملی	تجربه عینی
سرپرستان	۳۱٪	۳۶٪	۲۳٪	۱۰٪
کارشناسان	۳۵٪	۲۴٪	۳۷٪	۴٪
کل نمونه	۳۳٪	۳۰٪	۳۰٪	۷٪

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد هر دو گروه سرپرستان و کارشناسان بیشترین گرایش را به سبک یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی دارند که بیانگر علاقه به تحلیل منطقی و درک نظری مسائل است. با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی بین دو گروه وجود دارد. سرپرستان نسبت به کارشناسان گرایش بیشتری به آزمایشگری فعال دارند (۳۶ درصد در مقابل ۲۴ درصد) که نشان‌دهنده رویکرد عملی و کاربردی‌تر آن‌هاست. از سوی دیگر، کارشناسان به مشاهده تأملی (۳۷ درصد در مقابل ۲۳ درصد) تمایل بیشتری دارند که حاکی از رویکرد محتاط و تحلیلی‌تر آن‌هاست.

این تفاوت‌ها احتمالاً ناشی از ماهیت وظایف شغلی و مسئولیت‌های هر گروه است. سرپرستان با وظایف اجرایی و عملیاتی، بیشتر به یادگیری فعال و عملی گرایش دارند، در حالی که کارشناسان به دلیل ماهیت تحلیلی کارشان، رویکرد تأملی را ترجیح می‌دهند.

توجه به این تفاوت‌های سبکی در طراحی برنامه‌های آموزشی می‌تواند کارایی و اثربخشی آموزش‌ها را افزایش دهد. برای سرپرستان استفاده از روش‌های فعال مانند کارگاه‌های عملی، شبیه‌سازی و مطالعات موردی مناسب است و برای کارشناسان روش‌های تحلیلی و مبتنی بر تأمل مؤثرتر خواهد بود.

بررسی ارتباط سبک‌های یادگیری با روش‌های مختلف آموزشی

بر اساس مدل کلب، هر سبک یادگیری نیازمند روش‌های آموزشی خاصی است. جدول ۳ ارتباط بین سبک‌های یادگیری و روش‌های آموزشی مناسب را نشان می‌دهد.

جدول ۳: ارتباط سبک‌های یادگیری با روش‌های آموزشی

سبک یادگیری	تجربه عینی	یادگیری خرد	مطالعه موردی	کتاب کوتاه	ایمان بخش	یادگیری مبتنی بر فیلم	بازی‌وارسازی
تجربه عینی	×	×	×	×	✓	×	×
مشاهده تأملی	✓	✓	×	×	×	✓	×
مفهوم‌سازی انتزاعی	✓	✓	✓	✓	×	×	✓
آزمایشگری فعال	×	×	×	×	✓	×	✓
تلفیقی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓

منابع

۱. سیف، علی اکبر (۱۳۹۶). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران.

۲. Kolb, D. A. (1984). *Experiential learning: Experience as the source of learning and development*. Prentice-Hall.

۳. Willingham, D. T., Hughes, E. M., & Dobolyi, D. G. (2015). The scientific status of learning styles theories. *Teaching of Psychology*, 42(3), 266-271.

۴. Sirindi, A., & Teni, M. (2017). Learning styles and academic achievement among secondary school students in Kenya. *Journal of Education and Practice*, 8(8), 1-6.